

«دانش مدیریت»

سال دوازدهم - شماره ۴۷ - زمستان ۱۳۷۸

ص ص ۱۹ - ۳

بسوی بازشناسی و تبیین مجدد نقش دانشگاه

دکتر محمدسعید تسلیمی^۱

چکیده مقاله

اساسی‌ترین عامل برقرار نمودن نظام آموزش عالی (دانشگاه) تربیت و آماده ساختن نیروی انسانی کارآمد شایسته و دارای مهارت به منظور پاسخگویی به نیازهای واقعی جامعه در زمینه‌های مختلف می‌باشد. همچنین تولید و ارائه دانش بومی برای حل مسائل جاری و حیاتی جوامعی که دانشگاه‌ها در آن قرار دارند از عمده‌ترین نقش‌های نظام آموزش عالی به حساب می‌آید. چنین نظام آموزش عالی دانشجویان را به عنوان نوآوران، متفکران، حرفه‌شناسان و حتی مخترعان، تربیت و به جامعه عرضه می‌نماید. این فلسفه، تمام دانشگاهیان را بر آن می‌دارد که به سهم خود و به اندازه توان و شایستگی خود مشارکت با دانشگاه را جهت دستیابی به استانداردها و روزآمد شدن آن افزایش دهند. به منظور رسیدن دانشگاه به درجه عالی پاسخگویی و رفع نیاز از جامعه خود لازم است دورنمایی جامع که نشانگر تلاش هر عضو هیأت علمی و هر دانشجو و به همراه آنان مساعی کارکنان و مشارکت مردم و سایر نهادها و دستگاه‌ها جهت رونق روزافزون دانشگاه‌ها می‌باشد تهیه و به عمل درآید.

واژه‌های کلیدی

دانشگاه - بازشناسی - فنآوری - شایسته‌سالاری - دانش محوری - پژوهش‌بری - پویایی‌دهی - ترویج علوم - توسعه‌نگری - خوداتکایی.

مقدمه

نگرش بلندمدت به منافع عمومی و سهم دانشگاه در تأمین آنها مشخص می‌نماید تا چه اندازه دانشگاه و دانشگاهیان باید «علم‌اندوزی» بر اساس دوستی آن، «خوداتکایی» بر پایه باور عمیق به آن و برقراری ارتباط میان میراث معنوی و فرهنگی پیشینیان با آیندگان را با ترویج علوم تحقق بخشند. بازشناسی توان‌ها و قابلیت‌های قومی و تداعی سربلندی‌های تاریخی، در شرایط کنونی جامعه جهانی به غیر از توسعه علوم و تحقیقات و با استفاده از فنآوری‌های نوین میسر نبوده و به نوبه خود ارزیابی از عملکردهای گذشته و حال دانشگاه‌ها را به منظور برنامه‌ریزی و جهت‌گیری مناسب برای آینده الزامی می‌نماید. علاوه بر تمهید مذکور توجه به تحولات ژرف و پرشتاب علمی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اخلاقی در سطوح مختلف ملی و فراملیتی، تجهیز دانشگاه‌ها به دیدگاه‌های پویایی دهنده و تضمین‌گر اثربخشی اجتماعی را الزامی‌تر از هر زمان دیگر می‌نماید. این امر تصدیق قطعی بر توسعه‌نگری دانشگاه و دانشگاهیان خواهد بود.

محققانی همچون Dahlman et al - 1987, Pack and Westphal - 1986 و Justman and Teubal - 1991 به این نکته اشاره می‌کنند که کسب قابلیت‌های فناورانه نه به طور خودکار صورت می‌گیرد و نه بدون هزینه امکان‌پذیر است^۱ و پوشیده نیست که ترویج عادلانه فناوری از طریق دانشگاه‌ها میسرتر بوده و برقراری ارتباطات مشارکت‌آمیز میان دانشگاه و سایر دستگاه‌ها و بخش‌ها (صنعت، کشاورزی، خدمات) در جامعه، معرف ژرف‌نگری و سیاست‌گذاری مبنایی بوده و ابتدایی‌ترین نمود آن توزیع اعتبارات لازم برای

۱- کلمن، دیوید و ن، فورد، «اقتصادشناسی توسعه نیافتگی»، ترجمه دکتر غلامرضا

ترویج علوم و فناوری بین دانشگاه‌ها می‌باشد بنحوی که کلیه سازمان‌ها و مؤسسات اجرایی اعم از خدماتی، تولیدی و مانند آنها را به پشتیبانی از فرآیندهای دانشگاهی مسوول و ملتزم نماید. بدیهی است پیدایش شایسته سالاری، نوآوری، دانش‌محوری، پژوهش‌بری و مشارکت‌های فناورانه در عرصه وسیع کشوری، از دستاوردهای ارتباط مؤثر و مناسب تمامی دستگاه‌ها با دانشگاه‌ها خواهد بود.

بیان مسأله

تنوع زوایای نگرش به دانشگاه به همراه انتظارات جامعه و نهادهای مختلف از آن، دانشگاه را با حساسیت‌هایی مواجه نموده و ملزم می‌دارد مسائل دانشگاه در چارچوب‌های فکری جدیدی که مانع آسیب‌پذیری دانشگاه و در مقابل، منشأ ظهور روزافزون توانایی‌های آن باشد، مطرح تا نقش جامع علمی، فناوری، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دانشگاه به خوبی نمایان گردد.

«سیمما» و «محتوا»ی دانشگاه^۱ دو مؤلفه بنیانی هستند که در تعیین جایگاه و نقش اجتماعی آن به طور مستقیم دخالت دارند. دانشگاه، جایگاه والاترین تعاملات منتهی به اجتماعی شدن انسان‌ها است بویژه در زمانی که مؤلفه‌های فرهنگ‌ساز صورت سابق خود را از دست داده و تخصصی شدن فرهنگ به همراه قابلیت ترویج و فراگیری آن سرنوشت دانشگاه و کلیت جامعه را به هم گره زده و بین آن دو ضمانت برقرار نموده است.

در تحلیل اهمیت و ماهیت دانشگاه، ارزیابی از داده‌ها و ستاده‌ها نشانگر آن است که خروجی دانشگاه تا چه حد تابع داده‌ها است و در چه دامنه‌ای از حداقل تا حداکثر دور از ذهنی نوسان دارد. یک دانشجو که به عنوان ستاده شناخته شده، پس از گذراندن دروس و الزامات دوره کارشناسی، کارشناسی ارشد یا دکترا در یک حد متعارف فارغ‌التحصیل شناخته شده و ممکن است در دوره تحصیل به یک منبع پایان‌ناپذیر سرمایه و افتخار تبدیل شده و آثار اجتماعی جاری و دامنه‌دار از خود به جا گذارد، و با یک پژوهشی و یک یافته علمی و یا

یک اثر منتشر شده اعم از کتاب یا مقاله تا چه حد می‌تواند تأثیر اساسی بر ساختار فرهنگی و اجرایی محیط داشته باشد و موارد مذکور از جمله مصادیق بهره‌وری دانشگاه است.

امروز دانشگاه به مراتب بیشتر از گذشته مورد اقبال جامعه است و به عنوان یک هدف بزرگ برای نسل جوان ما که از صمیم قلب آرزوی دستیابی به آن را دارند مطرح است و به همین منظور سالانه میلیون‌ها جوان و به تبع آنها میلیون‌ها خانواده توان و بضاعت خود را بر آن متمرکز می‌نمایند. توسعه کمی و کیفی دانشگاه^۱ هم از یک سو نشانگر علاقه‌مندی و اشتیاق روز افزون مردم است که به گونه‌ای سرنوشت خود را با ساخت دانشگاه پیوند می‌زنند و از سوی دیگر نشان دهنده ارزیابی و تشخیص صحیح آنان از اساسی‌ترین نیازها است.

پیشینه مسأله (لزوم مشارکت متشکل در دانشگاه)

امروز بیش از هر زمان دیگر، دانشگاه خواهان مشارکت و حمایت همه جانبه است. پیوندهای تاریخی جامعه و دانشگاه در کشور ما، بویژه بعد از انقلاب شکوهمند اسلامی مهمترین زمینه عملی مشارکت فعالانه در امور دانشگاهی را اثبات می‌کند. ساختار آموزش عالی نیز (اگر از سودجویی مصون بماند!) مستعدترین ساختار مشارکت‌پذیر است. مشارکت در امور دانشگاه از منظر اجتماعی و بُعد بیرونی عملاً به مشارکت در حیات سیاسی، فرهنگی و اطلاعاتی مردم دلالت داشته و به عنوان یک فرآیند بینش دهنده و تأمین‌کننده منافع بلند مدت جامعه عمل می‌کند.

از نظر مردم دانشگاه جایگاه والایی دارد تا جایی که از اغلب ضروریات خود چشم‌پوشی نموده حتی نان شب خود را می‌دهند تا بتوانند با دانشگاه پیوند و ارتباط داشته باشند. زیرا دریافته‌اند که به واسطه این پیوند می‌توانند برای خود ارزش و جایگاه والای اجتماعی فراهم کنند. دلیل عمده اقبال عامه مردم از دانشگاه، اصالت و والایی معنوی آن است. حال در مقابل مسوولیت بزرگ اجتماعی و تاریخی و از دوران گذشته تا حال و از حال برای آینده باید در نظر باشد که دانشگاه چه نقش‌هایی را ایفا نموده و یا بر عهده خواهد گرفت؟ و اصولاً تحلیل و

تفسیر دانشگاه از جایگاه و نقش خود چیست؟ دانشگاه تا چه حد با مشکلات و نارسایی‌های جامعه در تماس است؟

آنچه مسلم است هر جامعه‌ای در رأس مدیریت خود نیازمند نوآوران سیاسی، نوآوران اقتصادی، نوآوران فنی و نوآوران علمی است.^۱ و دانشگاه به تنهایی نمی‌تواند بر طرف‌کننده مشکلات و نارسایی‌های جامعه باشد اما دانشگاه باید ضمن تعیین جایگاه و نقش خود در تحولات سیاسی اجتماعی زمینه ساز حل مشکلات جامعه باشد و با ارایه راه حل تلاش کند تا همه سازمان‌ها، و نهادهای تصمیم‌گیرنده در جریان قرار بگیرند و نیک دریابند که اساساً دانشگاه برای حل مشکلات و نارسایی‌های محیطش رسالتی بر عهده دارد. استقبال از این بینش در سازمان‌های دیگر بر عهده همگان می‌باشد که به چنین رسالت، نقش و مسوولیت دانشگاه وقوف یافته و به آن ارج نهند.

تحقیقات نشان می‌دهد که دانشگاه‌های ما برای ایفای نقش اجتماعی و بیرونی و نیز برقراری ارتباط با محیط و جامعه در جهت حل مشکلات و نارسایی‌ها از توان مدل‌سازی بالایی برخوردارند. اکثر فرایندهای تغییر توسط مدیران ارشد جهت اعمال نگرش آنها آغاز می‌شود که نشانگر تصویری از وضعیت سازمان در آینده است.^۲ بر این اساس مدیریت دانشگاه باید حداقل برای ۲۰ تا ۲۵ سال آینده مدل‌سازی کرده، یا قادر به مدل‌سازی باشد و باید الگوها و مدل‌ها قابلیت کاربردی، عینی، ملموس، اجتماعی و عملیاتی شدن داشته باشند. بدیهی است توان و قدرت دانشگاه از منظر مشارکت، تابعی از شعاع مشارکت طلبی آن است. یعنی هر اندازه دانشگاه موفق به مشارکت گشته و بتواند پاسخگوی نیازها، ضرورت‌ها و پذیرای آن رویکرد مردمی و اجتماعی باشد به همان اندازه در جامعه قدرتمند و توانمند خواهد بود. ملاحظه می‌شود که در اینجا توان و قدرت دانشگاه مانند هر سازمان دیگری

۱- عظیمی، حسین، «ایران امروز در آئینه مباحث توسعه»، ص ۷۱، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸.

۲- گراهام، ویلسون، «حل مسأله و تصمیم‌گیری»، ترجمه دفتر امور مدیران بنیاد

بارزترین شاخص معرفی است. از آنجا که قدرت تابع شعاع خودش بوده و هر اندازه شعاع داشته باشد به همان اندازه موجود است و به عبارت دیگر شعاع نشان می‌دهد که قدرت تا چه اندازه هست. بر همین اساس شعاع وجودی دانشگاه نشان می‌دهد که تا چه اندازه توانمند بوده و جامعه هم آن را در می‌یابد.

دانشگاه و منافع بلند مدت جامعه^۱

توسعه سیاسی و اقتصادی منوط و مؤخر به توسعه علمی و فرهنگی، و منشاء آن دانشگاه است. شالوده پایگاه‌های اقتصادی و سیاسی و حاکمیت مؤثر و مقبول در دانشگاه ریخته می‌شود و به عبارت دیگر آشناترین و مردمی‌ترین نهاد امید بخش برای توسعه پایدار دانشگاه است. دانشگاه رسالت‌دار پیکار ایمان علیه کفر، علم علیه جهل، وحدت علیه تفرقه، معنویت علیه مادیت، تعاون علیه خودخواهی و مسوول رساندن جامعه به مرزهای دانش است و رابطه برگزیدگان جامعه با دانشگاه به مراتب فراتر از دوره تحصیلی آنها ارزیابی می‌شود، چه در آن دوره روح دانش دوستی، معرفت‌طلبی، تکلیف‌شناسی و مسوولیت‌پذیری در دانشجویان تقویت می‌شود و آنان را برای تمام دوره زندگی تجهیز معنوی می‌کند. بیداری و نشاط سیاسی ملت‌ها و برهم زدن نامعادلات و برخوردهای نقادانه و حق‌طلبانه جوامع تا حد چشمگیری ریشه در ارتباط آنها با دانشگاه داشته و دارد.

منزلت و قداست دانشگاه و به موجب آن شخصیت دانشگاهی را باید حاصل جمع تمام تجربیات خالصانه و آرمان خواهانه و با از خودگذشتگی در کارزاری سرنوشت ساز و در جبهه‌های دایمی علیه جهل دانست. حریم دانشگاه باید مورد دفاع اجتماعی قرار بگیرد و سیاست‌های حاکم بر دانشگاه باید زمینه تحولات چشمگیر علمی و تحقیقاتی را فراهم نموده، ارزش اثباتی دانشگاه را همگانی کند و از این جهت است که دانشگاه شایسته ارزنده‌ترین توجهات است. البته هر فردی از افراد جامعه آن را سمبل پیشرفت، بلوغ فکری و تشخیص اجتماعی می‌داند و آنگونه مشاهده می‌شود دانشگاهی بودن تحسین‌انگیز و ارزش‌آور است.

باید نقش دانشگاه در حفظ منافع بلندمدت جامعه را با مطالعه هزینه‌ها و معضلات از یک سو و حاصل اجرایی آن از سوی دیگر تبیین و ترسیم نمود و برنامه‌ریزی جامع دانشگاهی نیز مستلزم خروج از نگرش سنتی و کارکردهای استیصالی است. همچنین بهره‌برداری بهینه از امکانات، فرصت‌ها و نیروی انسانی به یکی از بهترین اشکال ممکن در دانشگاه صورت می‌گیرد به این معنی که می‌باید نیروی انسانی را در دانشگاه چنان مورد استفاده قرار داد که تمام وقت مفید، تجربه و ذکاوت او در درجه اول، با علاقمندی و احساس مسوولیت مصروف دانشگاه و رسالت علمی و اجتماعی آن شود. از آنجا که فرایند «تحول انرژی» در امر آموزش مشتمل بر تعلیم و تعلم است و کلیه فعالیت‌های دیگر اعمال پشتیبان به حساب می‌آیند^۱ بنابراین این باید سایر مسوولان در مقابل مشکلات مالی، تدارکاتی و تأمین دانشگاه به صورت جامع از خود واکنش سریع نشان دهند و نیازهای دانشگاه را نیازهای یک بخش از بخش‌های اجرایی و خدماتی کشور تلقی ننموده بلکه آن را منشأ نیازهای غیر قابل جبرانی بدانند که معمولاً در حال و به طور عمده در آینده به صورت میان بخشی بروز خواهد نمود.

صحیح است که بخش‌هایی نظیر کشاورزی، انرژی، صنعت و... در اولویت برنامه‌ریزی و توجه قرار دارند. ولی وقتی به آموزش عالی به عنوان جزئی از بخش خدمات نگریسته می‌شود، باید سؤالی مطرح شود که همان بخش‌های در اولویت قرار گرفته با چه پشتوانه‌های علمی و انسانی و از کجا اداره شده و یا خواهند شد؟ پاسخ این سؤال خود گویا و گواه صادقی در اولویت بودن تأمین نیروی انسانی کارآمد (یعنی فارغ التحصیلان دانشگاه) به طور قطع و یقین است. ساختار سیاسی جامعه نیز در صورتی دارای استحکام خواهد بود که استعدادهای فردی آحاد آن در جایگاه ممتاز دانشگاه، همچون هر نهاد اجتماعی^۲ و سیاسی دیگر و به دور از سودجویی‌های نوبه‌ای و موسمی، مراحل رشد و کمال را طی نماید.

همچنان که تمدن فراصنعتی معاصر در جهان غرب با برزخ فرهنگی روبروست عکس آن

در موقعیت‌هایی نظیر کشور ما پیداست. کشور ما برزخ فرهنگی را پشت سر گذاشته و اکنون با برزخ صنعتی روبرو است و در اینجا دانشگاه است که باید رسالت خود را خوب و هوشمندانه با دید باز تعریف و اهداف و آرمان‌های خویش را در دوره جدید مشخص نماید.

لزوم نگرش سیستمی^۱ به رسالت آموزش عالی

در یک نگرش سیستمی، آموزش عالی نیز همچون هر نظام دیگر دارای بخش‌های سه گانه داده‌ها - فرآیندها - و ستاده‌ها است بدیهی است هر سه بخش مذکور به صورت توأم امکان یک تحلیل کامل و جامع را پدید می‌آورند و ارزیابی از سیستم آموزش عالی مستلزم بررسی تعاملات گوناگون درون و برون سیستمی آن است.

اولین برداشت‌ها از نگرش سیستمی چنین می‌رساند که داده‌های هر سیستم خروجی‌های سیستم (سیستم‌های) ماقبل خود می‌باشد. شناخت واقعیت‌ها و برنامه‌ریزی و تنظیم فرایند بر پایه آنها موجب دریافت خروجی‌ها (ستاده‌ها)ی منطقی و قابل پیش بینی خواهد بود.

در اولین بخش یعنی داده‌ها، مهمترین عامل پدید آورنده ازدحام جمعیتی بلابرگشت، رشد تمرکز دانشگاهی، اداری، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در شهرهای بزرگ است که جاذبه پایان‌ناپذیر و غیر قابل تقابل ایجاد نموده و در میان آنها دانشگاه پرجاذبه‌ترین است. طبیعی است تمام کسانی که در جستجوی فرصتی باشند کافی است خود را به نحوی به آن مکان‌ها برسانند و هنگامی که مرحله اول یعنی خود را به شهر رساندن تحقق یابد آنان دیگر مهاجرانی نخواهند بود که به دیار مألوف خود مراجعت نمایند و اغلب ماندگار شهر خواهند شد و بازماندگان روستایی را هم به شهر خواهند خواند و بی دلیل نیست که احساس نمایند که برنده شده‌اند و چرا نشوند؟ چرا با درآمدهای کاذب شهری وسوسه نشوند؟ مسابقه نوگرایی موجب می‌شود بخش مثبت هوش سالم صرف تصمیم به عزیمت گردد؛ و نواحی مهاجرفرست با خالی شدن از جمعیت محکوم به خرابی و عدم توازن‌های دردآور و متلاشی شدن شوند. از سوی مقابل انبوه جمعیت کارگری در شهرها به اوج خود می‌رسد، جمعیتی که خوشبخت‌ترین

آنان خرده فروش، پیش خدمت و فرودستان شهرنشین شده‌اند؛ و سؤال این است: چرا باید عرضه فرصت‌ها اعم از کار، درمان، آموزش و سایر خدمات زیباسازی محیط، توسعه بخش صنعت و تجارت تنها در شهرها افزایش یابد؟ و شهرهای بزرگ با جلب افراد مختلف به مرکز، بزرگتر و پرمسأله‌تر شوند؟ از کانون‌های کوچک ولی پرمثمر تولیدی در روستاها کاسته و به شمار بنگاه‌های خیریه در شهرها افزوده شود؟

مشاهداتی در راستای بهره‌وری نظام آموزش عالی

با تغییر کاربری بخش عمده‌ای از خوابگاه‌های دانشجویی به فضای آموزشی هزینه‌های ساخت و نگهداری تسهیلات خوابگاهی به میزان ۶۰ تا ۸۰ درصد که مربوط به اقامت دانشجویان غیربومی در هر دانشگاه می‌باشد کسر و به هزینه‌های گسترش برنامه‌های آموزشی اعم از طرح‌های زیربنایی و هزینه‌های جاری اضافه می‌شود در این راستا و به منظور فعلیت‌پذیری فرض‌های جدید ضروری است:

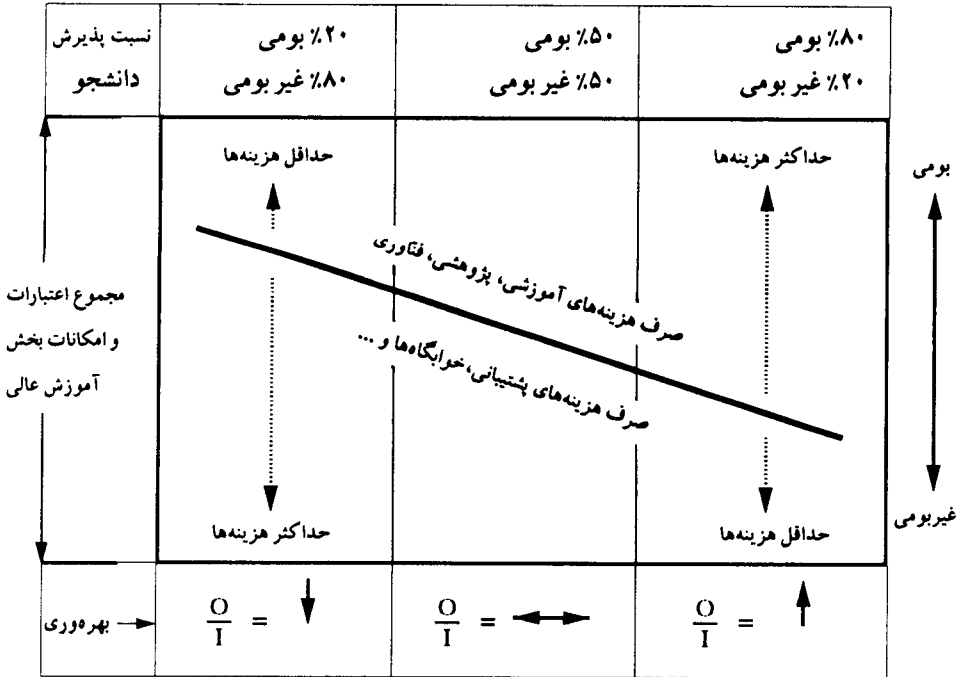
- گزینش و پراکنده نمودن دانشجو روند اصلاحی پیدا کند.

- هر یک از دو نسبت موجود (۸۰ درصد دانشجوی بومی و ۲۰ درصد دانشجوی غیر بومی) به سوی دیگر تمایل پیدا کند.

- پس از رسیدن دو نسبت مذکور به تساوی ۵۰ و ۵۰، گرایش قبل تا حد جایگزینی ادامه یافته و هر دانشگاه بر خلاف وضع موجودش این بار ۸۰ درصد دانشجوی بومی و ۲۰ درصد دانشجوی غیر بومی گزینش نماید.

- تحقق نسبت مذکور قطعاً متوقف بر گسترش بناهای آموزشی و توزیع فضاهای علمی و پژوهشی در مناطق دانشجویخیز و فاقد امکانات آموزش عالی می‌باشد.

- مهاجرت دانشجویی گسترده در سراسر کشور عامل تشدیدکننده مهاجرت‌های بی‌رویه و اغلب برگشت‌ناپذیر است و دانشجویان مهاجر (غیربومی) غالباً پس از فارغ التحصیل شدن، اقامت و جستجوی کار در محل تحصیل را (که عمدتاً شهرهای بزرگ کشور است) ترجیح داده و در همان نقطه با یافتن شغل و تشکیل خانواده رسوب کرده در کوتاه مدت امکان



شکل شماره ۱- بهره‌وری آموزش عالی بر اساس نسبت پذیرش بومی و غیر بومی

می‌آورند.

- دانشگاه در دوران اقامت خوابگاهی دانشجویان سرمایه‌های هنگفت ثابت و جاری را مصروف معیشت دانشجویان، افزون بر آنچه هزینه‌های آموزشی آنان است، می‌نماید.

- معمولاً نارسایی‌های بودجه در تعمیر و نگهداری خوابگاه‌ها باعث سرمایه‌گذاری وسیع ناکارآمد می‌شود و این نه تنها سودمند نمی‌افتد بلکه انواع نارضایتی‌ها و اعتراضاتی را پدید

می‌آورد که برطرف نمودن آنها خود مستلزم تدابیر و صرف انرژی‌هایی است که معمولاً چه برآورده شود و چه نشود پیامدهای «بیرون دانشگاهی» پیدا می‌کند و مدیریت دانشگاه با

داشت: تمام، سالت‌ها، علم، و فرهنگ. باید به دنبال آن ده بدادها و نقایص، منفعلانه تلاش

مجددانه‌ای را جهت بازگرداندن مسأله به درون دانشگاه به عمل آورد.

- هزینه‌های رفت و آمد، دور ماندن دانشجو از خانواده و ضایعات گوناگون مترتب بر آن، عوارض و بدآموزی‌های اخلاقی و صفاتی ناشی از مهاجرت دانشجویی، افت تحصیلی و مانند آنها در تمام دانشگاه‌ها و تمام خانواده‌هایی که ناچارند به دلیل کمبود فضاها، آموزشی، مسایل و ناگواری‌ها را تحمل کنند تأثیر منفی دارد و اگر ناآرامی روحی و خانوادگی دانشجو متأثر از مهاجرت این گروه به صورت سراسری در کل کشور محاسبه شود، معلوم می‌شود که نسبت ستاده به داده در این فرآیند بسیار ناچیز است؛ که با نگرش بهره‌ورانه به دانشگاه به مراتب بیش از آنچه فعلاً بدست می‌آید باید به دست آید.

- بر اساس مفروضات قبل (که چندان هم دور از واقعیات نیستند) سیر تدریجی جابجایی معقول در میان نسبت‌های پایه و رسیدن به موقعیت عکس آنچه در حال حاضر جاری و حاکم است یعنی تخصیص ۲۰ درصد ظرفیت دانشگاه‌ها به دانشجویان غیربومی به جای ۸۰ درصد و توزیع عادلانه امکانات آموزشی و اعضای هیأت علمی در تمام شهرها و مناطق کشور تا میزان چشمگیری ضایعات فرآیندی و مدیریت بر را کاهش داده، امکان افزایش بهره‌وری و ارتقای کیفیت را فراهم خواهد آورد انگیزه‌مندی دانشجویان و حفظ تعادل جمعیتی نیز تابعی از آن است.

- برنامه‌های آموزشی زمانی بهره‌ور می‌شود که از ابتدای پذیرش دانشجو، عواملی که در سرنوشت دانشجو و آینده شغلی و مسوولیت اجتماعی و کیفیت تحصیل او تأثیرگذارند مورد ملاحظه نظام پذیرش کننده دانشجو باشد. در این رهگذر برای بهره‌وری از اقدامات وسیع و سراسری که همه ساله انجام می‌شود و میلیون‌ها جوان مستعد با آرزوهای اصیل برای طراحی سرنوشت خود به آن روی می‌آورند باید عواملی نظیر سازگاری میان رشته تحصیلی و استعداد و علاقه دانشجو، هوشمندی دانشجو، اشتیاق و آمادگی تسلط بر مشکلات، روحیه جستجوگری و تحقیق و مانند آنها پایه‌های سنجش محفوظات و پیش‌آموخته‌های او جزء معیارهای پذیرش قرار گیرد. حال آن که غیر از درصد اندکی از پذیرفته شدگان که به رشته‌های مورد علاقه و هدف‌گیری شده خود راه می‌یابند باقی آنها عملاً در رشته‌ای تحصیل می‌کنند که

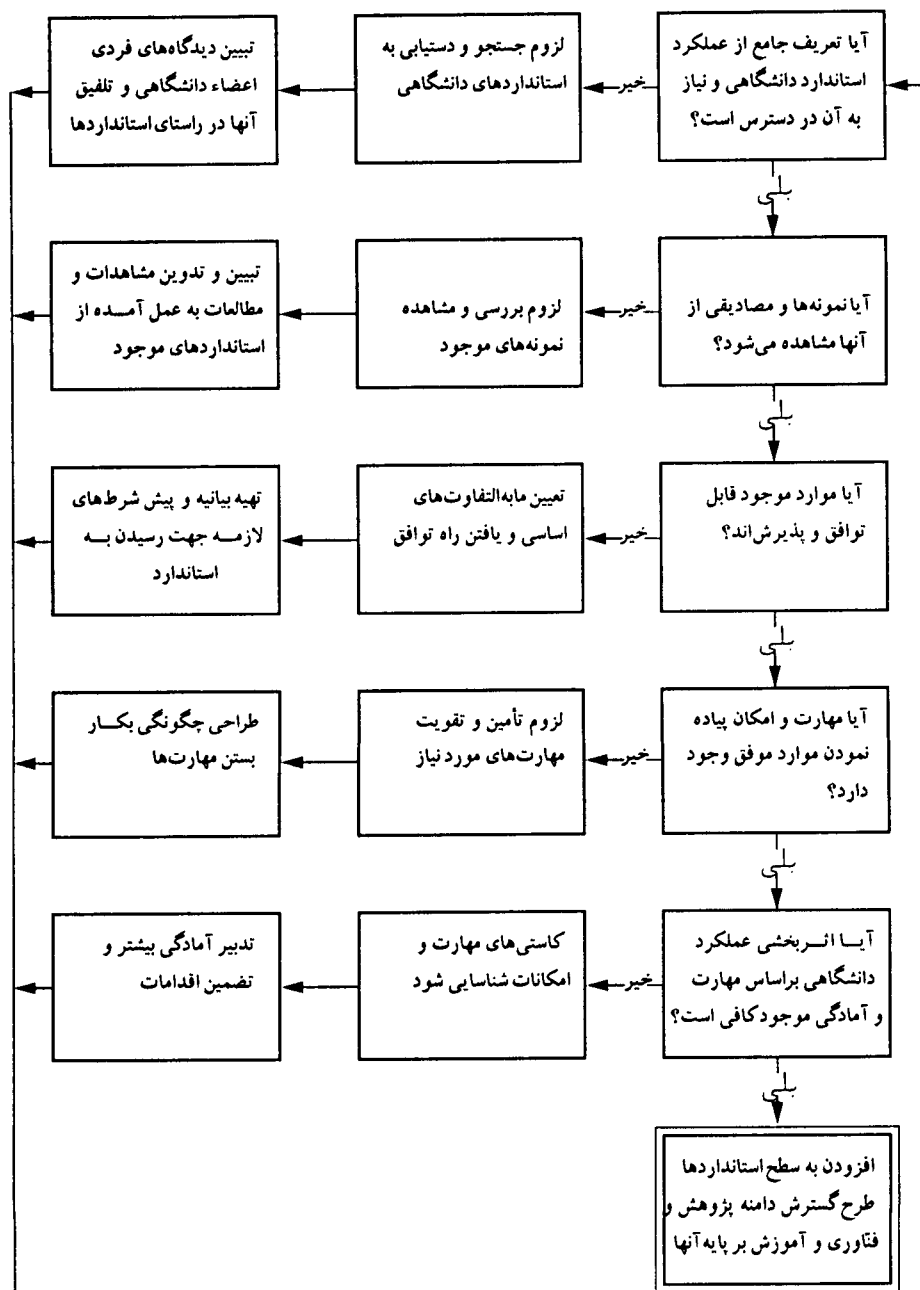
برایشان و برای خانواده‌شان کافی است و در میان یکصدگزینه مختلف در هر کدام پذیرفته شوند برایشان بهتر از عدم راهیابی به دانشگاه است. تأکید بر این نکته لازم است که بررسی هیچ یک از مجموعه مسائل دانشگاه اعم از دانشجویی، آموزشی، پژوهشی، پشتیبانی و مانند آن به طور مستقل و بدون ارزیابی از تأثیرات متقابل، منطقی نمی‌نماید. به عبارت دیگر لازم و ضروری است که در بررسی مسایل دانشگاه تأثیر فعالیت‌های گوناگون بر یکدیگر مورد نظر باشد.

با این ترتیب، مدیریت آموزش عالی از ابتدای پذیرش دانشجو تا انتهای دوره و فراغ‌التحصیلی و تحویل محصول دانشگاه به جامعه و بازار کار، مقید به طراحی فرآیندهای بهره‌وری است.

دوره بررسی و بازشناسی استاندارد دانشگاهی^۱

در جریان دوره تکامل و پیچیده شدن فرآیند زندگی، گاهی لازم است عواقب ناشی از نابرابری‌های طبیعی و ساختاری آرمانگرایی‌ها به طور واقع‌بینانه درک شوند تا بنیان‌های اجتماعی و ارزش‌های اصیل متلاطم نشده و نشانه‌های تأثرآور در کنار زیبایی‌های توسعه ظاهر نشوند؛ از این رهگذر و به منظور کاهش سیطره کمیّت بر کیفیت امور دانشگاهی و حتی به امید جابجا نمودن آن یعنی سیطره دادن کیفیت بر کمیّت لازم است بازشناسی از عملکرد و نقش دانشگاهی که یک دوره بررسی آن به طور نمونه در شکل شماره ۲ ارائه گردیده با دقت و شفافیت صورت پذیرد.

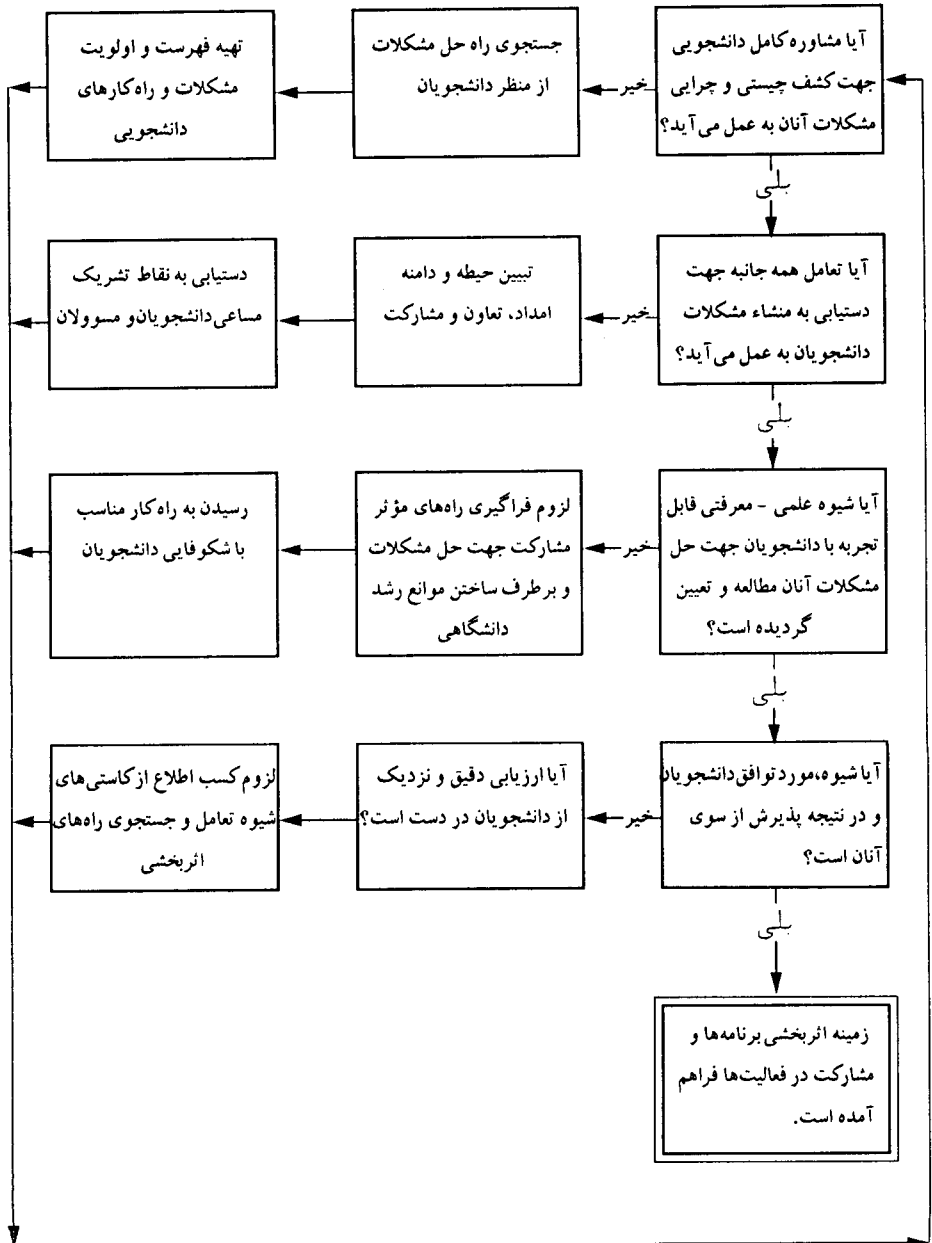
مبنا قرار دادن عزم ملی و مسوولیت‌شناسی دانشگاهیان و تعقیب این اصل که دوره حیات و کار دانشگاهی باید لزوماً به توسعه پایدار ملی بینجامد و در آن راستا باید شاخص‌های دانشگاه طوری تبیین و تدوین شوند که رابطه دو جانبه توسعه ملی و دانشگاه‌ها با برخوردار



ساختن جامعه از شایسته سالاری^۱ و سیاستگذاری‌های عالمانه^۲ شفاف گردد. در این، راستا شاید مناسب باشد با یادآوری مشکلات دانشجویان به این نکته تأکید شود که لازم است «تقاضای بالای اجتماعی برای ورود به دانشگاه‌ها از منظر برخوردار شود کمیّت‌گرایی و نام و نشان جویی جای خود را به مهارت جویی و دانش دوستی با هدف حل مشکلات اجتماعی و اقتصادی بدهد».

آماده ساختن دانشجویان برای رویکرد ذکر شده مستلزم بررسی و بازشناسی مکنونات علمی، اجتماعی و اقتصادی دانشجویان است که خودبخود به عنوان اهداف مفروض دانشجویان پس از یافتن درست و صحیح نقش خودشان، مورد جستجوی آنان است. برگرفته از لزوم بازشناسی استانداردهای دانشگاهی و دستیابی به موقعیت‌های تقویت کننده کیفیت عملکرد دانشگاهی و افزایش اثربخشی آن، بر کسی پوشیده نیست که اعداد و ارقام در گزارش‌های عملکرد دانشگاهی ابزارهایی هستند که بدون تحلیل، فاقد معنی بوده و هدایت به سمت بهبود عملکرد و استفاده کارا تر از داده‌ها نیازمند تجزیه و تحلیل‌هایی از نوع زیر می‌باشند که منجر به سیطره کیفیت بر کمیّت می‌گردد.

بر پایه نمونه‌ای از دوره بازشناسی استاندارد دانشگاهی که اخیراً ذکر گردید بازشناسی از وضعیت دانشجویان و آماده سازی آنان برای مشارکت سالم و فعال در امور دانشگاه مطابق شکل شماره ۳ ارائه می‌شود.



جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با علم به اینکه دانشگاه محل تولید و انتقال دانش است و طرف انتقال‌گیرنده آن دانشجو است که از محیط جامعه آمده و به همان جا برمی‌گردد نیاز جدی به تجدید نظر در جایگاه و نقشه کلی آموزش عالی پدید می‌آید که باید این کار با تبادل نظرها و بکارگیری تجربه استادان و متولیان آموزش عالی کشور صورت پذیرفته و ایده‌های کارآمد ارایه شود. البته این بازنگری به رسالت دانشگاه تنها به عهده مسوولان و متولیان دانشگاه نیست بلکه نهادهای تصمیم‌گیرنده اصلی مانند مجلس شورای اسلامی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، کمیسیون فرهنگی دولت، هیأت‌های امناء، دفاتر نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه‌ها، مجمع رؤسای دانشگاه‌ها، رئیس، هیأت رئیسه، شورای دانشگاه به همراه تشکل‌های اسلامی و صنفی استادان و دانشجویان می‌باید با زدودن ابهام‌ها و با اتفاق نظرها و کلان‌نگری‌ها، همگی یک موضع رفیع علمی، ارزشی، انقلابی و فرهنگی را با اغتنام فرصت خدمت اتخاذ نموده، به آن وجهه قانونی داده و به آن جامه عمل ببوشانند و دانشگاهیان را از فعالیت‌های تدارکاتی تا حدی نجات بدهند که مدیر دانشگاه عملاً مدیر دانشگاه باشد نه یک تدارک‌کننده در مقابل جریان‌ات‌روزمه و نیازهای جاری.

با توجه به دستاوردهای دانشگاه و با ادراک سیر تاریخی که داشته، طرح این نکته که ادامه این سیر از حال به بعد چگونه باید باشد و چه نوع تلاش و کوششی برای نایل آمدن به اهداف مقدس دانشگاه باید به عمل آید، دانشگاه را که خود بهترین سازمان یادگیرنده است به اصل «هدف‌گذاری عقلایی» موفق ساخته و از آن رهگذر زمینه برنامه‌ریزی‌های هوشمندانه با بهره‌گیری از استعدادهای سرآمد و با اطمینان از تحقق اهداف را فراهم خواهد نمود.

منابع و مأخذ

- ۱- «استراتژی‌های بهره‌وری چشم انداز بین‌المللی»، معاونت اقتصادی و بین‌المللی، مدیریت بهره‌وری بنیاد مستضعفان - ۱۳۷۲.
- ۲- دکتر سیدمهدی الوانی، سیداحمدرضا فاسمی - «مدیریت و مسوولیت‌های اجتماعی